

Strategic Evaluation of the General Policies of Article 44 of Constitution (A conceptual model for realization of the five-point general policy)

vahid shaghghi shahri

Assistant Professor, Department of Economics, Kharazmi University, Tehran, Iran.
vahidshaghghi@yahoo.com

Shiva Alizadeh

Corresponding Author, PhD, Public Sector Economics, Lorestan University,
Khorramabad, Iran (Corresponding author).
alizade.2015@yahoo.com

shirin vahed rasooli

M.A in Economics, Firuzkuh University, Tehran, Iran.
shirinvahedi1361@gmail.com

Abstract

The general policies of article 44 of the constitution have been set as one of the vital general policies in the economic area under five policies by supreme leader in the years 1384-85. After more than 15 years from setting of the above mentioned general policies, the current paper is aimed for evaluation general policies of article 44 by designing a conceptual model for strategic evaluation of the general policies of article 44 and using of a monitoring model including objectives, critical success factors & key performance indicators. The results of paper reveal after setting of general policies, there is no evidence of developing non-governmental sectors, decreasing the government size, increasing of cooperative sector share of national gross production, strengthening the economic competitive & empowering the private sector.

Keywords: Strategic Evaluation, General Policies of Article 44, Iran Economy, Conceptual Model, Critical success factors, Key performance indicators.

JEL Classification: C23, G21, M49

ارزیابی راهبردی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون

اساسی ج.ا.ایران

(الگوی مفهومی از تحقق پنج بند سیاست کلی)

وحید شقاقی شهری

استادیار، گروه اقتصاد، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

vahidshaghghi@yahoo.com

شویا علیزاده

دکتری، اقتصاد بخش عمومی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران (نویسنده مسئول).

alizade.2015@yahoo.com

شیرین واحد رسولی

کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

shirinvahedi1361@gmail.com

چکیده

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سیاست‌های کلی نظام در حوزه اقتصادی در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ در پنج بند از سوی رهبر انقلاب ابلاغ شده است. اینک با گذشت بیش از ۱۶ سال از ابلاغ سیاست‌ها، مقاله حاضر در نظر دارد با طراحی الگوی مفهومی ارزیابی راهبردی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و بهره‌گیری از الگوی مثلث پایش و ارزیابی مشتمل بر اهداف هر بند سیاست، عوامل حیاتی موفقیت و شاخص‌های کلیدی عملکردی، تصویری از میزان تحقق اهداف و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ ارائه دهد. خلاصه نتایج مقاله نشان از این دارد شواهدی مبنی توسعه بخش‌های غیردولتی، کوچک‌شدن اندازه دولت، توسعه سهم بخش تعاون از تولید ناخالص ملی، تقویت رقابت‌پذیری اقتصادی ملی و توانمندسازی بخش خصوصی در کشور، پس از ابلاغ سیاست‌های کلی مشاهده نشد.

کلیدواژه‌ها: ارزیابی راهبردی، سیاست‌های کلی اصل ۴۴، اقتصاد ایران، الگوی مفهومی، عوامل حیاتی موفقیت، شاخص‌های کلیدی عملکرد.

طبقه‌بندی JEL: C23, G21, M49

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۴ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۲/۰۳/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۳

فصلنامه راهبرد اقتصادی، سال ۱۱، شماره ۳، پیاپی ۴۲، پاییز ۱۴۰۱، صص ۲۵-۵۶

مقدمه و بیان مسئله

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سیاست‌های کلی نظام و به تعبیر مقام معظم رهبری، انقلاب اقتصادی و به‌منظور ریل‌گذاری جدید در اقتصاد کشور با هدف شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی، گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به‌منظور تأمین عدالت اجتماعی، ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری، افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی، افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی، کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی، افزایش سطح عمومی اشتغال، و بالاخره تشویق افشار مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد خانوارها، طی دو مرحله - چهاربند آن (به‌جز بند ج) در مرحله اول و در تاریخ ۱ خردادماه ۱۳۸۴ و بند (ج) این سیاست‌ها در تاریخ ۱۱ تیرماه ۱۳۸۵ - و در قالب پنج عنوان ذیل ابلاغ شد:

بند الف) سیاست‌های کلی توسعه بخش غیردولتی و جلوگیری از بزرگ شدن بخش دولتی،

بند ب) سیاست‌های کلی بخش تعاونی و افزایش سهم این بخش در اقتصاد کشور به ۲۵ درصد،

بند ج) سیاست‌های کلی توسعه بخش غیردولتی از طریق واگذاری فعالیت‌ها و بنگاه‌های دولتی،

بند د) سیاست‌های کلی واگذاری ابلاغ شده، مشتمل بر الزام‌های واگذاری و مصارف درآمدهای حاصله از واگذاری و توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی،

بند ه) سیاست‌های کلی اعمال حاکمیت و پرهیز از انحصار.

بنا به اهمیت موضوع و نظر به گذشت شانزده سال از ابلاغ سیاست‌ها و پانزده سال از تصویب قانون مرتبط، در مقاله حاضر سعی شد ارزیابی از میزان تحقق و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی صورت پذیرد. برای این منظور ساختار مقاله بدین‌صورت خواهد بود: ابتدا مطالعات تجربی و پیشینه پژوهش موجود مرور می‌شود. بعد الگوی مفهومی ارزیابی راهبردی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ طراحی خواهد شد. سپس ابتدا روش‌شناسی ارزیابی مبتنی بر الگوی مثلث مشتمل بر اهداف هر بند سیاست، عوامل حیاتی موفقیت و شاخص‌های کلیدی عملکردی تبیین و در ادامه

تصویری کمی از میزان تحقق اهداف هشتگانه سیاست‌ها و اهداف هر بند سیاست براساس شاخص‌های کلیدی عملکردی استخراج شده، ارائه خواهد شد.

۱. مطالعات تجربی

۱-۱. مطالعات خارجی

لافت و تیروول (۱۹۹۱)^۱، کلویک و پننتون (۲۰۰۵)^۲ نشان دادند که تولید بنگاه‌ها پس از خصوصی شدن به مقدار قابل توجهی افزایش می‌یابد. کوک و کریک پاتریک (۱۹۹۸)^۳ و بارنه (۲۰۱۶)^۴ نشان می‌دهند که خصوصی‌سازی اثر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد، اما نتایج کوکواوچیدا (۲۰۰۳)^۵ حاکی از رابطه منفی بین خصوصی‌سازی و رشد اقتصادی است. بویکو و همکارانش (۱۹۹۶)^۴ خصوصی‌سازی را انتقال مالکیت از بخش عمومی به خصوصی می‌دانند که به دو دلیل باید از آن حمایت شود: ۱) تولید محصولات کارآمد با استفاده از انگیزه بخش خصوصی، ۲) خصوصی‌سازی راهی است برای کاهش نقش بخش دولتی در اقتصاد. گالال^۵ (۲۰۰۶) نیز اساسی‌ترین قسمت خصوصی‌سازی را تغییر مالکیت از دولت به بخش خصوصی می‌داند ولی این‌طور بیان می‌کند که در مجموع خصوصی‌سازی صرفاً یک انتقال اموال و دارایی از یک مدعی به مدعی دیگر نیست بلکه علت اصلی آن است که مالکیت بخش خصوصی با تولید محصولات با بهره‌وری بالاتر همراه خواهد بود. مشیری (۱۳۸۹) نشان می‌دهد که مدیریت‌های دولتی و برنامه‌ریزی شده از کارایی پایینی برخوردارند به همین دلیل کشورهای بسیاری از جمله ایران، سیاست اقتصاد بازار را انتخاب کردند تا بتوانند به کمک آن بر بخشی از مشکلات خود نظیر بیکاری، زیان‌ده بودن شرکت‌های دولتی و کسری بودجه غلبه کنند و به رشد و توسعه دست یابند.

در زمینه تجربه جهانی خصوصی‌سازی باید اشاره داشت خصوصی‌سازی از دهه ۸۰ میلادی به بعد به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم اجرای برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی بسیاری از دولت‌ها، به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه مورد توجه قرار گرفته است (پاکدامن، ۱۳۸۸). انگلستان از جمله کشورهایی است که برای اولین بار و

1. Laffont, J. & Tirole, J. (1991)
2. Chlopek, M. & Penton, P. (2005)
3. Cook, P. & Kirkpatrick, C. (1988).
4. Boycko, M.; Shleifer, A. & Vichny, R. (1996)
5. Galal, A.

در یک فضای خالی از تجربه لازم و کافی حرکت خود را در امر خصوصی‌سازی شروع کرد و دستاوردهای قابل توجهی نیز از رهاورد این سیاست‌ها به دست آورد. مهم‌ترین روش‌هایی که در این کشور برای دستیابی به اهداف خصوصی‌سازی مورد استفاده قرار گرفته است عبارت‌اند از: عرضه عمومی سهام، فروش مستقیم، واگذاری سهام بنگاه‌های دولتی به مدیران و کارکنان و در نهایت فروش دارایی‌ها به بخش خصوصی (Vickers & Yarrow, 1991).

در بین کشورهای اروپای شرقی که پس از فروپاشی کمونیسم، آزادسازی و خصوصی‌سازی را شروع کردند، فرایند واگذاری سهام شرکت‌های دولتی در آلمان شرقی موفق‌تر از همه بوده است. خصوصی‌سازی در آلمان شرقی با روش مذاکره و به دنبال واگذاری شرکت‌ها و مؤسسه‌های دولتی به قیمت ارزان مشروط به تعهد خریدار به ادامه عملیات شرکت، حفظ اشتغال، افزایش سرمایه‌گذاری جدید بود که در این زمینه موفقیت‌های چشمگیری را نیز به دست آورد.

خصوصی‌سازی در مکزیک نیز با اهداف عمده‌ای چون افزایش کارایی اقتصاد و تقویت مالی عمومی به کمک منابع حاصل از فروش شرکت‌ها و تشکیلات دولتی و حذف یارانه‌های پرداختی دولت، استفاده از سرمایه و فناوری خارجی در سال ۱۹۸۲ شروع شد. قانونمندی‌های کارا، ایجاد فضای امن سرمایه‌گذاری، اولویت‌بندی منطقی واگذاری‌ها، گستردگی برنامه خصوصی‌سازی و افزایش رقابت در همه بخش‌های اقتصادی، به کارگیری انضباط مالی جدی، حذف تدریجی حمایت‌های غیرمستقیم بخش‌های اقتصادی از طریق تعدیل قیمت رسمی، نوسازی سیستم مالی، توسعه پایه‌های مالیاتی و ایجاد زمینه مناسب برای استفاده از سرمایه و فناوری خارجی و امنیت قانونی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در موفقیت تجربه خصوصی‌سازی مکزیک به شمار می‌آیند.

خصوصی‌سازی مالزی از سال ۱۹۸۵ شروع شد. کاهش بار مالی دولت، افزایش کارایی، توجه به نقش کارآفرینی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی داخلی و خارجی و کاهش اندازه دولت مهم‌ترین اهدافی بودند که برنامه خصوصی‌سازی در مالزی دنبال می‌نمود. روش فروش سهام، پیمانکاری و اجاره و سرمایه‌گذاری مشترک داخلی و خارجی مهم‌ترین روش‌هایی بودند که برای دستیابی اهداف خصوصی‌سازی در این کشور مورد استفاده قرار گرفتند (عالم، ۲۰۰۸)^۱.

۲-۱. مطالعات داخلی

۱-۲-۱. مطالعات صورت گرفته در خصوص «ارزیابی و میزان تحقق بند

الف سیاست‌های کلی اصل ۴۴»

در خصوص ارزیابی بند الف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ (سیاست‌های کلی توسعه بخش غیردولتی و جلوگیری از بزرگ شدن بخش دولتی)، می‌توان به مطالعه فتحی و همکارانش (۱۳۹۵) اشاره نمود. محققان به منظور ارزیابی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در حوزه صنعت، معدن و تجارت برپایه روش پرسشنامه و نمونه‌ای از جامعه آماری ستاد مرکزی وزارت صنعت، معدن و تجارت، نشان می‌دهند تحقق اهداف کلان همچون توسعه بخش غیردولتی و گسترش مالکیت در سطح عموم مردم در حوزه مربوطه (ذیل بند الف سیاست‌ها) ضعیف بوده است.

۱-۲-۲. مطالعات صورت گرفته در خصوص «ارزیابی و میزان تحقق بند

ب سیاست‌های کلی اصل ۴۴»

بند ب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در خصوص «سیاست‌های بخش تعاونی و افزایش سهم این بخش در اقتصاد کشور به ۲۵ درصد» است. در خصوص ارزیابی میزان اجرا و موانع فراروی تحقق بند ب سیاست‌ها مطالعات چندی در کشور انجام شده که در ادامه به تعدادی از این مطالعات اشاره می‌شود:

حقوق‌شناس و حدادی دوزین (۱۴۰۱) در مطالعه خود با هدف «شناسایی عوامل بازدارنده اجرای سیاست‌های بخش تعاون در اسناد بالادستی کشور (اصل ۴۴ قانون اساسی)»، از طریق تجزیه و تحلیل تم (مضمون) و روش مصاحبه عمیق نیمه‌ساخت-یافته با استفاده از نمونه‌گیری گلوله برفی از ۲۶ تن از خط‌مشی‌گذاران و سیاست‌گذاران دولتی و تعاونی نشان می‌دهند که عمده موانع موجود بر سر راه تحقق سیاست‌های بخش تعاون در دو دسته کلی موانع موجود در تدوین مناسب سیاست‌ها و موانع موجود در اجرای سیاست‌ها (رویکرد بالا به پایین و پایین به بالا) قرار دارد. موانع تدوین سیاست‌ها شامل موانع فرهنگی - روان‌شناختی، موانع فرایندی و موانع ساختاری است. موانع اجرای سیاست‌ها شامل موانع قانونی - حقوقی، موانع ساختاری، موانع فرهنگی، موانع محیطی، موانع انسانی و فردی است که در هر دسته عوامل متعددی وجود دارد که مانع تحقق این سیاست‌ها شده است. مطالعه خسروی و یزدانی (۱۳۹۶) با عنوان «بررسی علل ناکارآمدی سیاست‌های

کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در توسعه بخش تعاونی طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴» با استفاده از اسناد و مدارک موجود و تحلیل محتوا و با تحلیل عملکرد قوای مقننه و مجریه، نشان از این دارد اهم بندهای سیاست‌های کلی مذکور در حوزه تعاون یا به نحو مناسب تقنین نشده و یا به اجرا در نیامده است. البته طی دو برنامه چهارم و پنجم توسعه کشور ظرفیت برای توسعه بخش تعاون به لحاظ حقوقی تا حدودی فراهم شده بود، اما چه در انجام تکالیف مقرر و چه در استفاده از اختیارات قانونی، اقدام مؤثری صورت نگرفته و نتیجه این شده است که سهم بخش تعاونی در اقتصاد ملی نه تنها به ۲۵ درصد مقرر نرسید بلکه طبق اعلام رسمی از ۵/۵ درصد قبلی به ۵ درصد کاهش یافته است.

استادی و حبیبی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «بررسی راهکارهای افزایش سهم بخش تعاون در اقتصاد کلان با تأکید بر اصل ۴۴ قانون اساسی»، با استفاده از روش پیمایش و گردآوری داده‌ها از طریق پرسشنامه نشان می‌دهند که توانمندسازی تعاونی‌ها برای رقابت با سایر بخش‌ها به منظور تصدی طرح‌های بزرگ و زیربنایی و همچنین اولویت‌ها و حمایت‌های قانونی دولت از بخش تعاون و نیز ایجاد تعاونی‌های منطقه‌ای و فراگیر بر اساس مزیت‌های نسبی برای تصدی طرح‌ها و بنگاه‌های قابل واگذاری، در افزایش سهم بخش تعاون (اهداف کلیدی سیاست‌های کلی اصل ۴۴) مؤثر است.

۱-۲-۳. مطالعات صورت گرفته در خصوص «ارزیابی و میزان تحقق بند ج سیاست‌های کلی اصل ۴۴»

بند ج سیاست‌های کلی اصل ۴۴ بر سیاست‌های توسعه بخش غیردولتی از طریق واگذاری فعالیت‌ها و بنگاه‌های دولتی، تأکید دارد. اهم مطالعات داخلی انجام گرفته در خصوص خصوصی‌سازی و واگذاری فعالیت‌ها و بنگاه‌های دولتی به بخش غیردولتی به شرح زیر است:

جعفرپور در سال (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی خصوصی‌سازی در ایران» به روش پرسشنامه و مصاحبه، بیست چالش خصوصی‌سازی در کشور را از قبیل نامساعد بودن فضای کسب‌وکار، تلاطم محیط سیاسی، کم‌توجهی به اهلیت و سابق خریداران، هدایت و نظارت غیرمؤثر بنگاه‌های خصوصی شده پس از واگذاری، بی‌توجهی به طرف تقاضا در واگذاری‌ها، غفلت از اصلاح ساختار و آماده‌سازی شرکت‌ها احصا می‌کند.

کریم؛ شقاقی شهری و نصری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی فرایند خصوصی‌سازی در راستای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (افزایش سهم بخش خصوصی)» با استفاده از ساخت شاخص‌های ترکیبی به این نتیجه می‌رسند سیاست‌های کلی اصل ۴۴ نتوانسته به اهداف اجرایی خود برای توسعه بخش خصوصی واقعی دست یابد و تاکنون سهم بخش خصوصی واقعی از واگذاری‌ها حدود ۱۲ درصد برآورد می‌شود. لذا محققان پیشنهاد می‌کنند به توانمندسازی بخش خصوصی و الزام‌های نهادی و ساختاری توسعه این بخش توجه ویژه مبذول گردد.

احمدوند (۱۳۹۲) در مقاله «واکاوی عملکرد خصوصی‌سازی در ایران» اشاره می‌کند از سال ۱۳۸۰ تا تیرماه ۱۳۹۲ در مجموع حدود ۱۴۰ هزار میلیارد تومان از سهام شرکت‌های دولتی به تفکیک ۳۲ درصد سهام عدالت، ۴۶ درصد بخش غیردولتی و ۲۲ درصد سهام‌های عمومی غیردولتی واگذار شده است. از این رقم ۶۷ درصد از طریق بازار سرمایه (بورس - فرابورس) و ۳۳ درصد از طریق مزایده واگذار شده است. ۹۴ درصد کل واگذاری‌ها به صورت بلوکی و ۶ درصد به صورت تدریجی و ترجیحی انجام شده است.

آل عمران (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان «الزامات خصوصی‌سازی» به این نتیجه می‌رسند که سیاست خصوصی‌سازی یک فرایند بوده و برای اینکه این فرایند مسیر درست خود را بپیماید، می‌بایست ابتدا برخی پیش‌نیازهای قبل از ورود به این مسیر بالاخص تثبیت و آزادسازی اقتصادی در کشور اجرایی گردد.

حیدری کرد زنگنه در پایان‌نامه دکتری (۱۳۸۶) با عنوان «ارائه مدلی جهت ارتقا و توسعه خصوصی‌سازی ایران»، ضمن بررسی وضع موجود خصوصی‌سازی در کشور، مدلی را برای ارتقا و توسعه نظام خصوصی‌سازی در کشور معرفی نموده است. محقق تجارب پژوهشگران را در ده بعد: جهانی، سیاسی، قانونی و حقوقی، نهادی و سازمانی، برنامه‌گذاری، اقتصادی، مدیریتی و اجرایی، اجتماعی و فرهنگی، مجازی و روش خصوصی‌سازی و ۱۹۰ مؤلفه دسته‌بندی کرده و با استفاده از روش مدل‌سازی پویا و انگاره‌نگاری، مدل توسعه نظام خصوصی‌سازی کشور را استخراج می‌نماید.

۱-۲-۴. مطالعات صورت گرفته در خصوص «ارزیابی و میزان تحقق بند سیاست‌های کلی اصل ۴۴»

بند د سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در خصوص «سیاست‌های کلی واگذاری ابلاغ‌شده، مشتمل بر الزام‌های واگذاری و مصارف درآمدهای حاصله از واگذاری و توانمندسازی

بخش‌های خصوصی و تعاونی»، است. در این زمینه مطالعات بسیار اندک انجام شده و یکی از مطالعات جامع، مقاله پیروزراهی (۱۴۰۱) با عنوان اصلاح ساختار شرکت‌های دولتی پیش از واگذاری به بخش خصوصی است. محقق تأکید دارد بحث آسیب‌شناسی و اصلاح ساختار بنگاه‌ها قبل از واگذاری از اهمیت بالایی برخوردار است. خصوصی‌سازی را می‌توان به سه بخش فرایند آماده‌سازی، فروش و نظارت‌های بعد از فروش تقسیم کرد. در این بین، توجه به مرحله آماده‌سازی و اصلاح ساختار ضرورت دارد. تجربیات نشان می‌دهد که عدم توجه به مرحله آماده‌سازی و اصلاح ساختار در واگذاری‌های انجام شده موجب اختلافات بین خریدار و فروشنده شده است. وی به تجارب کشورها و استخراج اقدام‌های اصلی و ضروری پیش از واگذاری پرداخته و اشاره دارد: دلایلی مانند عدم اشراف و عدم اجماع سیاست‌گذاران در مورد حدود اقدام‌های آماده‌سازی، اصالت واگذاری و اولویت عرضه بر اصلاحات ساختاری، زمان‌بندی در نظر گرفته شده برای واگذاری، دید درآمدی به واگذاری‌ها، ساختار تقسیم وظایف نامناسب، دخالت فرایندهای سیاسی در امر واگذاری و عدم تعریف شرایط کمک اعتباری از محل منابع عمومی را می‌توان به‌عنوان مسائل مطروحه در این بند سیاست نام برد.

۱-۲-۵. مطالعات صورت گرفته در خصوص «ارزیابی و میزان تحقق بند ه سیاست‌های کلی اصل ۴۴»

بند ه بر سیاست‌های کلی اعمال حاکمیت و پرهیز از انحصار اشاره دارد. در خصوص ارزیابی و سنجش قدرت انحصاری در اقتصاد و صنعت ایران چند مطالعه انجام شده که به شرح زیر است:

خداداد کاشی؛ عبادی و حیدری (۱۳۹۶) برای تخمین قدرت انحصاری و به‌کارگیری آن برای ۱۳۶ صنعت کارخانه‌ای با کدهای ISIC چهاررقمی طی سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۹۲ نشان می‌دهند حدود ۹۸ درصد صنایع ایران مارک‌آپ بین ۱۰ تا ۴۰ درصد و رفتاری غیررقابتی داشته‌اند. همچنین متوسط مارک‌آپ صنایع در ایران طی زمان روندی صعودی داشته و متوسط بازدهی نسبت به مقیاس آنها کاهش یافته است. بر اساس نتایج، لغو امتیازات خاص داده شده به برخی از صنایع، کاهش تعرفه برای افزایش رقابت خارجی همراه با استانداردهای لازم برای تولید و واردات محصولات صنعتی و گسترش فعالیت‌های صنعتی در قالب تعاونی‌ها توصیه شده است.

خداداد کاشی و نورانی آزاد (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «اندازه رقابت، انحصار و الگوی رفتاری در بخش صنعت ایران» نشان می‌دهند درصد بالایی از صنایع ایران تمرکز متوسط به بالا داشته و همچنین، اندازه موانع ورود برای درصد قابل توجهی از صنایع بسیار بالا است. از طرف دیگر، صنایع ایران از صرفه‌های مقیاس برخوردار نبوده و علاوه بر این، نتایج پژوهش با استفاده از رویکرد پانزار - رأس دلالت بر آن دارد که بازارهای صنعتی ایران نیز رقابتی نیستند.

پورپرتوی؛ دانش جعفری و جلال‌آبادی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه تطبیقی انحصار و تمرکز در برخی از صنایع کشور» با استفاده از آمار سرشماری کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور در سال ۱۳۸۶ به بررسی و محاسبه شاخص‌های تمرکز و انحصار برای ۱۳۰ صنعت با استفاده از شاخص‌های سهم بنگاه‌های برتر و هرفیندال - هیرشمن پرداخته و نتیجه می‌گیرند، تمرکز قابل توجه در صنایع ایران در بخش‌های عمومی و خصوصی وجود دارد. محققان طبق نتایج اشاره دارند مهم‌ترین دلیل شکل‌گیری انحصارات در کشور، چه در بخش عمومی و چه در بخش خصوصی، ایجاد موانع ورود از طریق قوانین، آیین‌نامه‌ها و مقررات است.

۲. طراحی الگوی مفهومی ارزیابی راهبردی سیاست‌های کلی اصل ۴۴

در این بخش مقاله تلاش شده الگوی مفهومی برای ارزیابی راهبردی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ طراحی و به تصویر کشیده شود. این الگوی مفهومی در قالب سه بخش شامل اهداف کلان هشتگانه ناظر بر سیاست‌های کلی (ابلاغی رهبری)، راهبردهای کلیدی مستخرج از ۵ بند سیاست و بایدها و نبایدها و به‌عبارت‌دیگر سیاست‌های اجرایی ذیل راهبردها تصویرسازی شده است.

برای طراحی الگوی مفهومی تلاش شد ارتباطات متقابل و روابط بین اهداف کلان، راهبردها و سیاست‌های اجرایی مشخص شوند. در احصاء روابط مذکور از روش مصاحبه نیمه‌ساختارمند استفاده شد. در این راستا تا رسیدن به اشباع نظری، نمونه‌هایی از صاحب‌نظران انتخاب شدند. جامعه آماری این تحقیق برای رسیدن به اشباع نظری نیز ۲۴ خبره‌ای بودند که در دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز پژوهش‌های مجلس و دانشکده‌های اقتصاد و مدیریت حضور داشتند و در خصوص موضوع پژوهش صاحب تجربه بوده و تحصیلات عالی و سابقه کار پژوهشی و تجربی داشتند. دو سؤال محوری ملاک قرار گرفت. در سؤال اول، «ارتباط اهداف هشتگانه با بندهای پنج‌گانه سیاست‌های کلی اصل ۴۴ (راهبردهای پنج بند

سیاست) مورد پرسش قرار گرفت». در سؤال دوم پرسیده شد: «ذیل هر بند سیاست کلی، کدامیک از اقدام‌ها و سیاست‌های اجرایی به تحقق اهداف هشت‌گانه مرتبط بوده و در تحقق آنها نقش داشته و کمک خواهد کرد؟».

همان‌طور که در مقدمه مقاله اشاره شد، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ دارای ۸ هدف کلان (مقدمه ابلاغ سیاست) مشتمل بر: هدف (۱) شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی، هدف (۲) گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به‌منظور تأمین عدالت اجتماعی، هدف (۳) ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری، هدف (۴) افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی، هدف (۵) افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی، هدف (۶) کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی، هدف (۷) افزایش سطح عمومی اشتغال، و بالاخره هدف (۸) تشویق اقشار مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد خانوارها، هستند و ۵ بند سیاست‌های کلی به‌عنوان راهبردهای تحقق این اهداف هشت‌گانه می‌باشند. برای نمونه بند الف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ شامل دو راهبرد کلی، راهبرد (۱): سیاست‌های کلی توسعه بخش غیردولتی و راهبرد (۲):

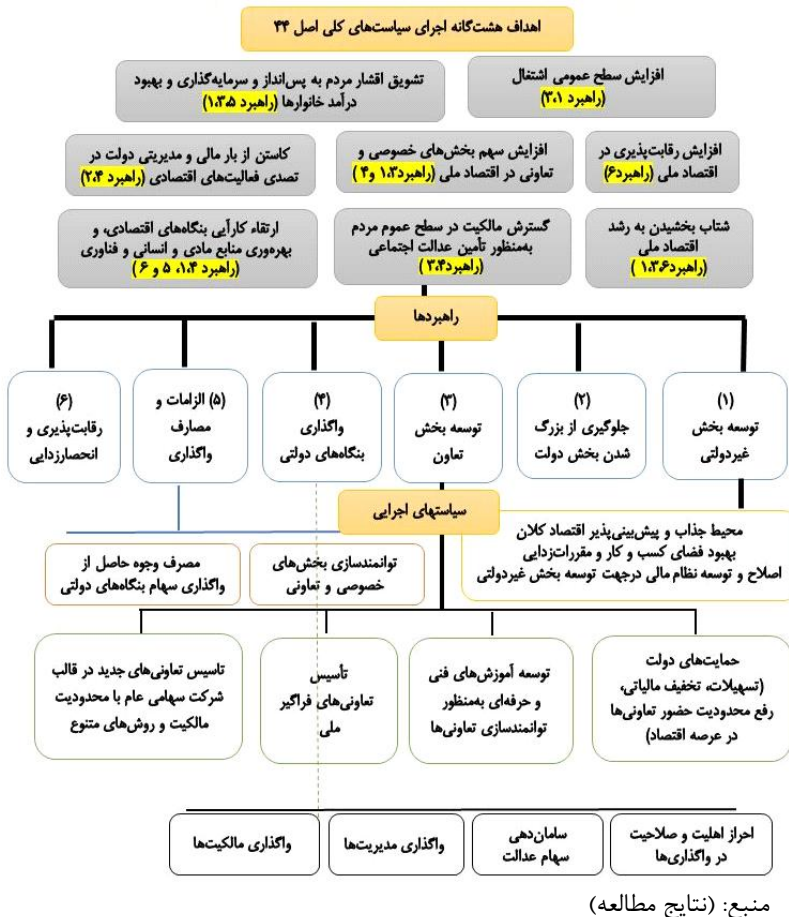
جلوگیری از بزرگ شدن بخش دولتی، است که در این بند سیاست ذکر شده است. برای تحقق هدف شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی سه راهبرد مدنظر سیاست‌های کلی اصل ۴۴ یعنی راهبردهای توسعه بخش غیردولتی، توسعه بخش تعاون در کنار تقویت رقابت‌پذیری و انحصارزدایی معرفی شدند. برای تحقق هدف گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به‌منظور تأمین عدالت اجتماعی، راهبردهای توسعه بخش تعاون و واگذاری بنگاه‌های دولتی (بالاخص به سهام عدالت) انتخاب شدند. برای تحقق هدف سوم یعنی ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری، راهبردهای توسعه بخش غیردولتی، واگذاری بنگاه‌های دولتی، الزام‌ها و مصارف واگذاری و تقویت رقابت‌پذیری و انحصارزدایی تعیین شدند. درخصوص هدف چهارم (افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی) همان راهبرد مختص خود یعنی تقویت رقابت‌پذیری و انحصارزدایی، برای هدف پنجم (افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی) راهبردهای توسعه بخش غیردولتی و تعاونی و واگذاری بنگاه‌های دولتی، درخصوص هدف (۶) (کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی)، راهبردهای جلوگیری از بزرگ شدن دولت و واگذاری بنگاه‌های دولتی، برای هدف هفتم (افزایش سطح عمومی اشتغال) راهبردهای توسعه بخش غیردولتی و تعاونی‌ها و بالاخره برای تحقق هدف هشتم

(تشویق اقشار مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد خانوارها) راهبردهای مصارف واگذاری، توسعه بخش‌های غیردولتی و تعاونی انتخاب شدند (سعدی و توتونچی ملکی، ۱۳۸۷؛ فتحی و دیگران، ۱۳۹۵).

در ضمن برای هر کدامیک از راهبردهای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ نیز اقدام‌ها و سیاست‌های اجرایی که در هر بند سیاست به‌نحوی اشاره و تصریح شده بود، احصاء شد (مستخرج از مصاحبه و نظرات صاحب‌نظران)؛ به‌عنوان مثال، برای راهبرد توسعه بخش غیردولتی که بخش اول بند الف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ بود، سه سیاست اجرایی مشتمل بر: محیط جذاب و پیش‌بینی‌پذیر اقتصاد کلان، بهبود فضای کسب‌وکار و مقررات‌زدایی و اصلاح و توسعه نظام مالی در جهت توسعه بخش غیردولتی ذکر شدند. برای مابقی راهبردهای مرتبط با ۵ بند سیاست کلی نیز سیاست‌های اجرایی مرتبط معرفی شدند.

ازاین‌رو در الگوی مفهومی ارتباط فرایندی بین اهداف کلان، راهبردها و سیاست‌های اجرایی برقرار شد. به‌عنوان نمونه مشخص شد برای تحقق هدف اول سیاست‌های کلی اصل ۴۴ (شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی)، چه راهبردهایی در سیاست‌های کلی مزبور وجود دارد و برای تحقق این راهبردها نیز چه سیاست‌های اجرایی باید محقق شوند.

بدیهی است برپایه این الگوی مفهومی استخراج اهداف میانی و عملیاتی، عوامل حیاتی موفقیت و شاخص‌های کلیدی عملکردی میسور خواهد شد.



نمودار (۱): الگوی مفهومی ارزیابی راهبردی سیاست‌های کلی اصل ۴۴

۳. روش‌شناسی ارزیابی راهبردی و تحلیل نتایج

در این بخش براساس الگوی مفهومی تصویر شده در فصل قبل و برپایه الگوی ارزیابی زیر که مبتنی بر سه مبحث اهداف کلان هشت‌گانه و اهداف هر بند سیاست کلی (اهداف میانی و عملیاتی)^۱، عوامل حیاتی موفقیت (CSF)^۲ و شاخص‌های کلیدی عملکردی (KPI)^۳ است، تلاش شد ارزیابی راهبردی از اجرای ۵ بند

1. Objectives
2. Critical success factor
3. Key Performance indicator

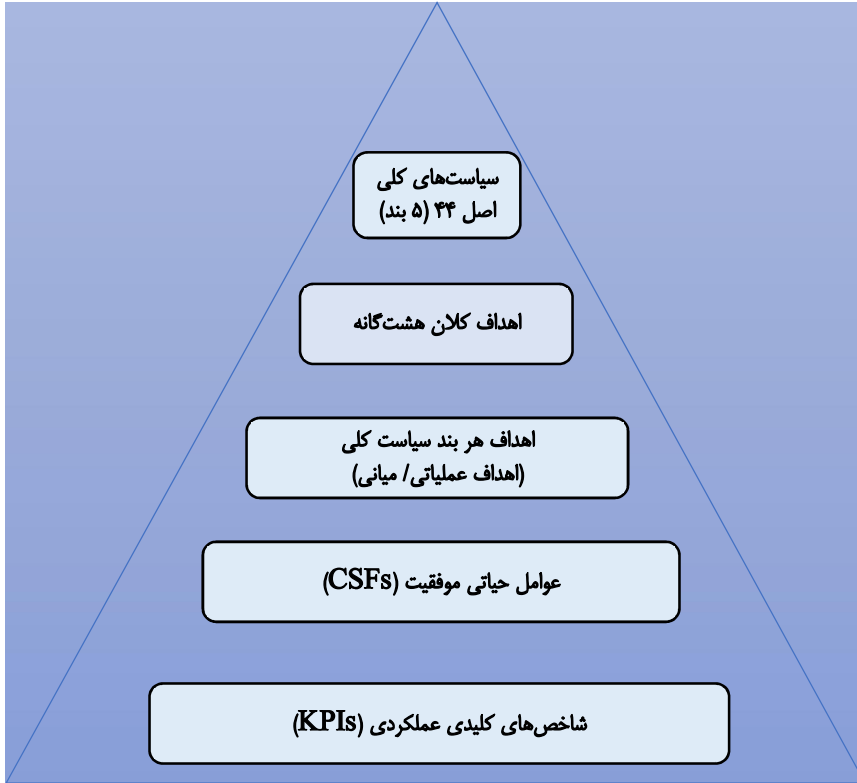
سیاست‌های کلی اصل ۴۴ به عمل آید. لذا سنجش تحقق اهداف هر بند سیاست کلی در کنار شاخص‌های کلیدی عملکردی ذیل عوامل حیاتی موفقیت ملاک ارزیابی توفیق در اجرای هر بند سیاست خواهد بود.

دلیل استفاده از روش پژوهش در ارزیابی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ که مبتنی بر تعیین عوامل حیاتی موفقیت و متعاقب آن، شاخص‌های کلیدی عملکردی می‌باشد، این است که برای ارزیابی راهبردی از میزان موفقیت در اجرای هر بند سیاست کلی اصل ۴۴، بایست ابتدا راهبردها و عوامل اصلی و محوری در تحقق هر کدامیک از بندهای پنج‌گانه سیاست مشخص شوند. سپس براساس احصاء راهبردها و عوامل اصلی برای پیشبرد هر بند سیاست، جهت سنجش میزان موفقیت در اجرای راهبردها و عوامل اصلی، می‌باید شاخص‌های کلیدی عملکردی متناظر و مرتبط تعیین و مورد ارزیابی قرار بگیرند. به طوری که برای ارزیابی راهبردی از میزان اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ انتخاب عوامل حیاتی موفقیت موجب می‌شود فرایند ارزیابی روشن و شفاف‌شده و ارزیابی بر راهبردهای محوری متمرکز می‌گردد.

همچنین به منظور کسب نظرات صاحب‌نظران از اهداف، عوامل حیاتی موفقیت و شاخص‌های کلیدی عملکردی هر بند سیاست‌های کلی اصل ۴۴، پرسشنامه‌ای طراحی شد. جامعه آماری مورد مطالعه این پژوهش شامل خبرگان مجمع تشخیص مصلحت نظام و مرکز پژوهش‌های مجلس و نیز اساتید اقتصاد و مدیریت مطلع از موضوع خصوصی‌سازی و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ بودند. با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۷۹ نفر برآورد شد (جامعه ۱۰۰ نفری). در ضمن پس از تهیه پرسشنامه و قبل از اینکه به صورت نهایی اجرا شود، سؤال‌های طراحی شده به چند نفر از صاحب‌نظران مطلع داده شد تا اساتید متخصص نظر خود را در مورد روایی ابزار اندازه‌گیری اعلام نمایند و در نهایت پرسشنامه نهایی تهیه و نسبت به توزیع آن اقدام شد. در این پژوهش به منظور سنجش پایایی مربوط، ۱۳ پرسشنامه در میان نمونه آماری توزیع و ضریب الفای کرونباخ مورد محاسبه قرار گرفت. با توجه به میزان آلفای به‌دست‌آمده (۰,۸۶۹)، نتیجه گرفته شد که پرسشنامه طراحی شده قابل قبول بوده و از پایایی و روایی بالایی برخوردار می‌باشد.

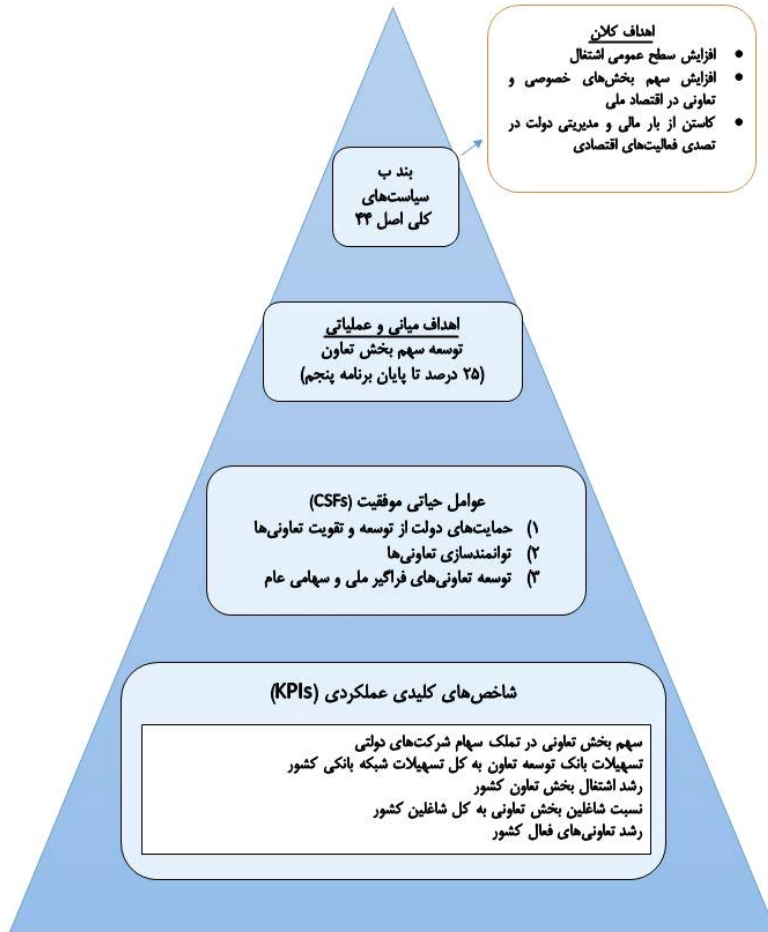
شایان ذکر است طبق نظرات صاحب‌نظران، شاخص‌های کلیدی عملکردی متنوع و متعددی معرفی شدند، باین‌حال محدودیت‌های آماری و نبود اطلاعات پیوسته و مستند موجب شد به شاخص‌هایی بسنده گردد که آمارهای رسمی در خصوص آنها منتشر می‌شود. لذا محدودیت آمار و اطلاعات برای تعدادی از شاخص‌های کلیدی

عملکردی در دوره ۹۹-۱۳۸۴ وجود دارد.



نمودار (۲): الگوی ارزیابی مبتنی بر اهداف کلان، اهداف میانی و عملیاتی، عوامل حیاتی موفقیت و شاخص‌های کلیدی عملکردی

۳-۱. ارزیابی راهبردی ۵ بند سیاست‌های کلی اصل ۴۴: اهداف، عوامل حیاتی موفقیت و شاخص‌های کلیدی عملکردی



نمودار (۳): الگوی ارزیابی بند الف سیاست‌های کلی اصل ۴۴

۳-۱-۱. تحلیل بند الف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ برپایه اهداف و شاخص‌های کلیدی عملکردی

ارزیابی بند الف سیاست‌های کلی برپایه شاخص‌های کلیدی عملکردی در جدول (۱) آورده شده است. طبق نتایج جدول مشخص می‌شود:

۱- پس از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴، شواهدی مبنی بر رشد پایدار و شتابان تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی مشاهده نمی‌شود، به طوری که شاهد نوسان‌های شدید و غالباً رشد منفی طی سال‌های پس از ابلاغ سیاست هستیم. در ضمن میانگین رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در دهه ۹۰ معادل ۵٫۷- درصد بوده که حکایت از وضعیت ناگوار در سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه در کشور هستیم.

۲- سهم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از ماشین‌آلات از کل سرمایه‌گذاری در سال ۱۳۸۴ معادل ۴۸ درصد بوده که این سهم همراه با کاهش در سال ۱۳۹۴ به ۲۹ درصد رسیده و در ادامه نیز روند افزایشی طی نشده است. از طرفی سهم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان از کل سرمایه‌گذاری در سال ۱۳۸۴، ۲۱ درصد بوده که این سهم رشد نموده و در سال ۱۳۹۶ به ۴۸ درصد رسیده است و پس از آن شاهد کاهش اندکی هستیم. به عبارتی طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۹ سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از بخش ماشین‌آلات به بخش ساختمان تغییر یافته است.

۳- در خصوص تشویق اقشار مردم به سرمایه‌گذاری نیز روند سهم بخش خصوصی از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به قیمت‌های ثابت می‌تواند معرف این موضوع باشد. این روند از سال ۱۳۸۴ صعودی بوده و از ۰/۶۶۴ سال ۱۳۸۴ به ۰/۸۳۸ در سال ۱۳۹۹ بهبود یافته است.

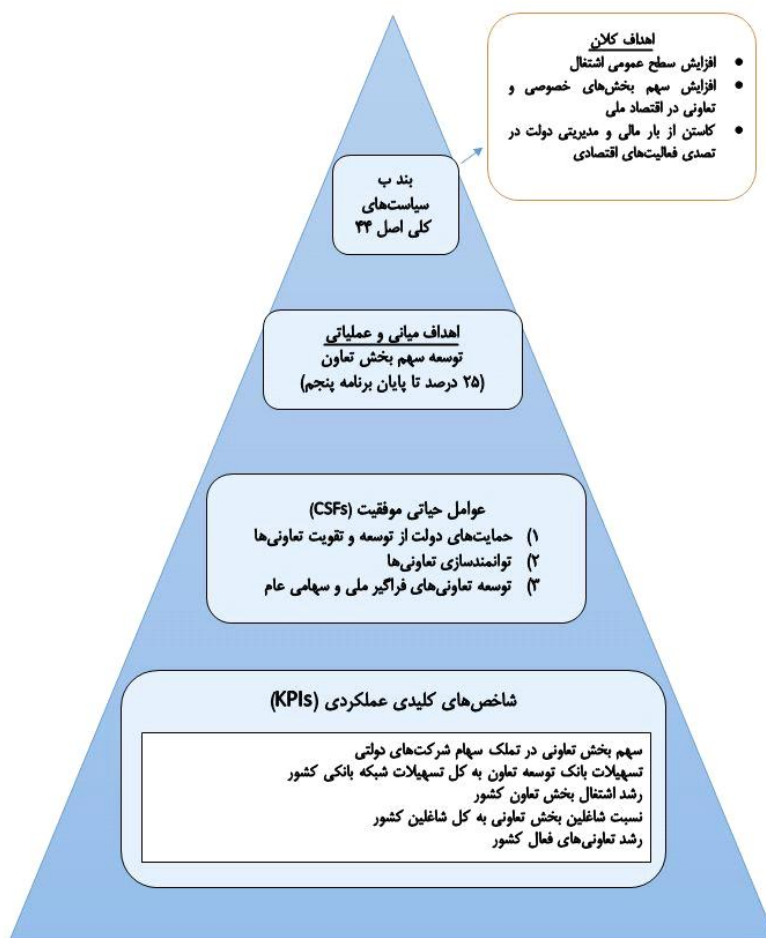
۴- کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی هدف مهم بعدی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی است. با این حال آمارها و اطلاعات حکایت از انحراف در تحقق این هدف می‌باشد. روند نسبت بودجه تصدی‌گری به تولید ناخالص داخلی طی سال‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۹ روندی افزایشی داشته است. نسبت بودجه مصوب شرکت‌های دولتی به تولید ناخالص داخلی نیز طی سال‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۹ روندی کاهشی نداشته است. همچنین شاخص نسبت بودجه عمومی به تولید ناخالص داخلی هم روندی کاهشی نیافته است. بررسی میزان بودجه شرکت‌های دولتی طی چندین سال اخیر نشان می‌دهد که همواره سهم بودجه شرکت‌های دولتی در حدود ۷۰ درصد از بودجه کل کشور بوده است.

جدول (۱): روند شاخص‌های کلیدی عملکردی ارزیابی بند الف سیاست‌های کلی

اصل ۴۴

سال	۸۴	۸۶	۸۸	۹۰	۹۲	۹۴	۹۶	۹۸	۹۹
رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص	۵,۴	۶,۶	-۰,۹	۴,۶	-۷,۸	-۱۲	۱,۴	-۵,۹	۲,۵
سهم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از ماشین‌آلات از کل سرمایه‌گذاری	۴۸	۴۷	۴۶	۳۷	۳۳	۲۹	۳۱	۲۷	۲۵
سهم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان از کل سرمایه‌گذاری	۲۱	۱۷	۲۲	۳۷	۳۸	۴۶	۴۸	۴۲	۴۱
سهم بخش خصوصی از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به قیمت‌های ثابت	۰,۶۶۴	۰,۷۱۴	۰,۷۱۹	۰,۷۴۲	۰,۷۹۵	۰,۷۵۳	۰,۷۶۱	۰,۷۷۸	۰,۸۳۸
نسبت بودجه شرکت‌های دولتی به تولید ناخالص داخلی (درصد)	۵۲/۹۷	۵۳/۴۲	۵۱/۰۸	۵۶/۸۵	۵۷/۳۵	۵۸/۲۸	۵۸/۴۷	۵۷/۳	۵۶/۵۳
نسبت بودجه عمومی به تولید ناخالص داخلی (درصد)	۲۸/۵۸	۲۲/۰۴	۲۴/۸۶	۲۷/۱۷	۲۵/۲۶	۲۵/۳۷	۲۷/۶۵	۲۷/۷۶	۳۴/۲۱

منبع: (بانک مرکزی)



نمودار (۴): الگوی ارزیابی بند ب سیاست‌های کلی اصل ۴۴

۳-۱-۲. تحلیل بند ب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ برپایه اهداف و شاخص‌های کلیدی عملکردی

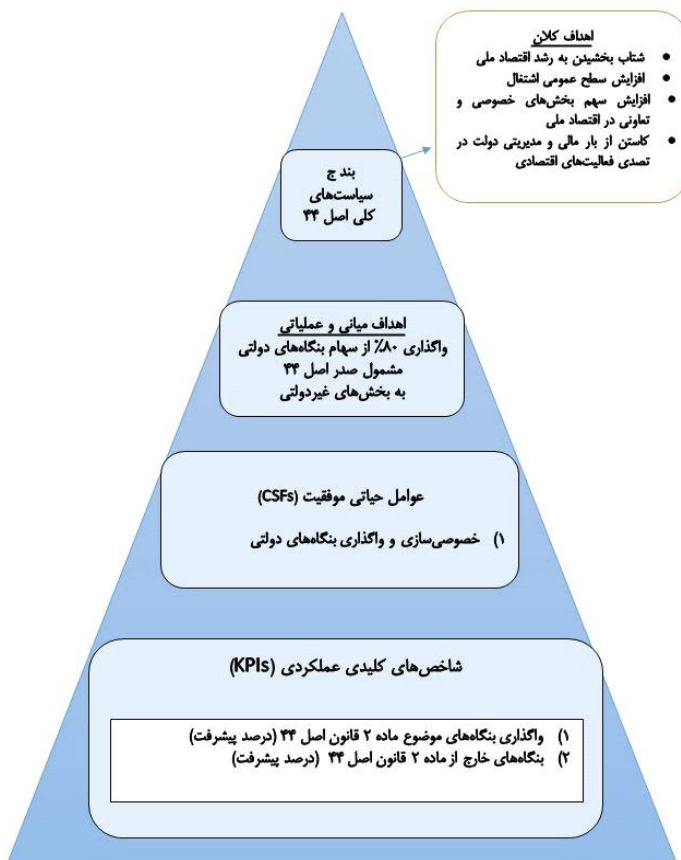
۱- در بند (ب) سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، سیاست‌های کلی بخش تعاونی ذکر شده است. در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و نیز در ماده ۹ قانون مذکور مقرر شده بود تا پایان برنامه پنج‌ساله پنجم، سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور به ۲۵ درصد برسد. ایراد اساسی که در خصوص بخش تعاونی در اقتصاد وجود دارد این است که هیچ مرجع رسمی، آماری در خصوص سهم بخش تعاونی در اقتصاد،

سرمایه‌گذاری و تولید این بخش و سایر متغیرهای مربوطه منتشر نکرده است. لذا اندازه‌گیری سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور با این وضعیت امکان‌پذیر نیست. باین‌حال در سال ۱۳۸۹ مرکز آمار ایران با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سهم بخش تعاون در اقتصاد ملی را ۲/۶ درصد محاسبه کرد. همچنین سازمان برنامه و بودجه در سند توسعه برنامه ششم، سهم بخش تعاونی در پایان سال ۱۳۹۳ را ۶ درصد برآورد نموده است. مرکز پژوهش‌های مجلس نیز در سال ۱۳۹۵ سهم بخش تعاون را ۸/۳ درصد برآورد کرد. براساس تحلیل روندها مشخص است که از سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۹ تلاش‌های زیادی که صورت گرفته است انتظار می‌رود سهم بخش تعاونی افزایش داشته باشد لیکن با نگاه حداقلی سهم بخش تعاون در سال ۱۳۹۹ نیز همان ۶ درصد برآورد می‌گردد. همچنین گزارش کمیسیون اصل ۴۴ مجلس شورای اسلامی حاکی از آن است که سهم بخش تعاون در تولید ناخالص داخلی کمتر از ۵ درصد است و اختلاف فاحش با هدف ترسیم شده وجود دارد. باوجوداین تا زمانی که مرکز آمار ایران سهم بخش تعاون در اقتصاد ملی را در حساب‌های ملی منظور نکند، کماکان با مشکل تحلیل آماری در بخش تعاونی روبه‌رو هستیم.

۲- علی‌رغم اختلاف فاحش با هدف ترسیم‌شده سهم بخش تعاون در اقتصاد ملی، تشکیل بانک توسعه تعاون در مردادماه سال ۱۳۸۸، شکل‌گیری تعاونی‌های نوع جدید (تعداد ۱۲۱ شرکت تعاونی فراگیر ملی، تعداد ۲۸۷ شرکت تعاونی دانش‌بنیان، تعداد ۱۲ شرکت تعاونی توسعه و عمران شهرستانی، تعداد ۱۰ تعاونی سهامی عام از جمله اولین شرکت تعاونی برای فعالیت بیمه‌ای در مجموع با اشتغال‌زایی بالغ بر بیش از ۲۱۶۱۰ نفر)، رشد کمی تعداد تعاونی‌ها در حوزه‌های مختلف اقتصادی به‌ویژه رشد کمی شرکت‌های تعاونی حمل‌ونقل کالا و مسافری و دستیابی این بخش به سهم مناسبی در فعالیت‌های حمل‌ونقل درون شهری - جاده‌ای و دریایی، تهیه سند توسعه تعاون از جمله اقدامات مثبت در راستای بند (ب) سیاست‌های کلی بخش تعاونی ارزیابی می‌شوند. باین‌حال، دستیابی به سهم ۲۵ درصدی بخش تعاون در اقتصاد ملی نیازمند توسعه کمی و کیفی اقدامات و تحول جدی در این راستا است.

۳- یکی از مشکلات بخش تعاون عدم انتشار منسجم و پیوسته آمار و اطلاعات رسمی در کشور است. باین‌حال بر اساس اطلاعات سامانه جامع آمارهای ثبتی وزارت تعاون، آمار تعاونی‌های فعال در حال بهره‌برداری و در دست اجرا در کشور

تا پایان سال ۱۳۹۸، جمعا ۹۴ هزار و ۱۵۱ تعاونی و کل اعضای تعاونی‌ها ۵۷,۷ میلیون نفر بوده که در حال حاضر یک میلیون و ۷۷۱ هزار و ۵۲۵ نفر در این تعاونی‌ها مشغول به کار هستند. با مقایسه آمارهای سال ۹۸ نسبت به سال ۹۷ تعداد تعاونی‌های فعال در کل کشور ۳,۹ درصد رشد داشته است.



نمودار (۵): الگوی ارزیابی بند ج سیاست‌های کلی اصل ۴۴

۳-۱-۳. تحلیل بند ج سیاست‌های کلی اصل ۴۴ برپایه اهداف و

شاخص‌های کلیدی عملکردی

از سال ۱۳۸۰ لغایت ۱۳۹۹/۱۰/۳۰، مجموعاً ۲۰۱۹ بنگاه (مشمول بر شرکت و دارایی) در فهرست بنگاه‌های قابل واگذاری سازمان خصوصی‌سازی قرار داشته‌اند که از این

تعداد ۷۱۲ بنگاه براساس آیین‌نامه تشخیص، انطباق و طبقه‌بندی بنگاه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۰۶/۰۷ هیئت وزیران و اصلاحات و تغییرات بعد از آن، شناسایی و در گروه‌های (۱) و (۲) طبقه‌بندی شده‌اند. مابقی بنگاه‌ها (۱۳۰۷ بنگاه) خارج از فهرست آیین‌نامه مذکور شناسایی و در فهرست موارد مشمول واگذاری درج شده‌اند. از ۷۱۲ بنگاه یادشده، ۶۰۰ بنگاه تعیین تکلیف شده‌اند (به‌طورکامل واگذار شده و یا از فهرست واگذاری‌ها به دلایلی همچون «انحلال»، «تحصیل»، «ورشکستگی» و یا «انتقال به گروه بنگاه‌های غیرقابل واگذاری»، خارج شده‌اند (۸۴ درصد)) و ۱۱۲ شرکت در فهرست واگذاری‌های سال ۱۳۹۹ قرار دارند. همچنین از بنگاه‌های خارج از آیین‌نامه ماده ۲ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، ۱۱۰۷ بنگاه تعیین تکلیف شده‌اند (۸۵ درصد) و ۲۰۰ بنگاه (شامل ۶۸ مورد شرکت و ۱۳۲ مورد دارایی) در فهرست واگذاری سال ۱۳۹۹ قرار دارند. (جدول شماره ۲)

جدول (۲): وضعیت بنگاه‌های (شرکت و دارایی) واگذارشده و در حال واگذاری

از سال ۱۳۸۰ لغایت ۱۳۹۹

عنوان	فروش	انحلال، تحصیل، ورشکسته	انتقال به گروه ۳ و خروج	برنامه واگذاری ۱۳۹۹	جمع کل
تعداد بنگاه‌های موضوع آیین‌نامه ماده ۲ قانون اصل ۴۴	۲۶۰	۸۱	۲۵۹	۱۱۲	۷۱۲
تعداد بنگاه‌های خارج از آیین‌نامه ماده ۲ قانون اصل ۴۴	۶۲۸	۱۲۹	۳۵۰	۲۰۰	۱۳۰۷
جمع کل	۸۸۸	۲۱۰	۶۰۹	۳۱۲	۲۰۱۹
درصد نسبت به کل	%۴۴	%۱۱	%۳۰	%۱۵	%۱۰۰

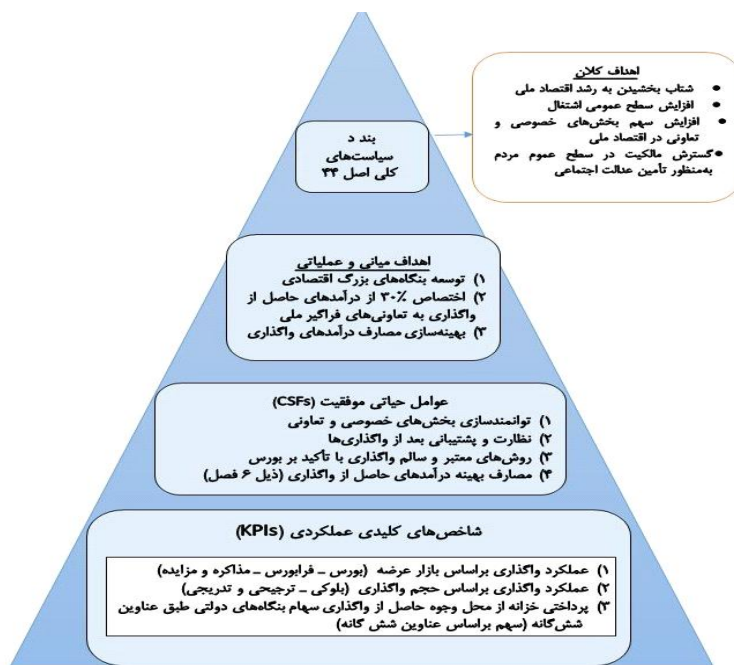
منبع: گزارش سازمان خصوصی‌سازی، ۱۴۰۰

آمار ارزش کل واگذاری‌ها تا پایان سال ۱۳۹۹ معادل ۱۹۰۶۲۱۹ میلیارد ریال بوده که از این کل به تفکیک واگذاری‌ها به شرح جدول شماره (۲) نشان می‌دهد عرضه و فروش سهام یا دارایی به عموم متقاضیان معادل ۱۲۶۸۷۶۰ (میلیارد ریال)، واگذاری سهام یا دارایی به شیوه انتقال مستقیم به اشخاص حقیقی و حقوقی طلبکار از دولت معادل ۳۷۱۰۹۷ (میلیارد ریال)، انتقال مستقیم سهام یا دارایی بابت سهام عدالت معادل ۲۶۶۳۶۳ (میلیارد ریال)، بوده است.

جدول (۳): عملکرد واگذاری‌ها براساس نوع واگذاری

جمع کل	نوع واگذاری (ارقام به میلیارد ریال)
۱۲۶۸۷۶۰	عرضه و فروش سهام یا دارائی به عموم متقاضیان
۳۷۱۰۹۷	واگذاری سهام یا دارایی به شیوه انتقال مستقیم به اشخاص حقیقی و حقوقی طلبکار از دولت
۲۶۶۳۶۳	انتقال مستقیم سهام یا دارایی بابت سهام عدالت
۱۹۰۶۲۱۹	جمع کل

منبع: گزارش سازمان خصوصی‌سازی، ۱۴۰۰



نمودار (۶): الگوی ارزیابی بند د سیاست‌های کلی اصل ۴۴

۳-۱-۴. تحلیل بند د سیاست‌های کلی اصل ۴۴ برپایه اهداف و شاخص‌های کلیدی عملکردی

از ۱۹۰۶۲۱۹ میلیارد ریال سهام واگذار شده طی بازه زمانی ۱۳۸۰ لغایت ۱۳۹۹/۱۰/۳۰، ۸۹ درصد واگذاری‌ها به صورت بلوکی انجام پذیرفته، ۱۰ درصد

به صورت عرضه‌های تدریجی و روزانه در بازار سرمایه و ۱ درصد نیز به صورت سهام تدریجی بوده است. (جدول شماره ۴)

جدول (۴): عملکرد سازمان خصوصی‌سازی در سال‌های ۱۳۸۰ لغایت ۱۳۹۹، براساس حجم واگذاری

حجم واگذاری	جمع کل ارزش (ارقام به میلیارد ریال)	نسبت به کل (درصد)
بلوکی	1690981	89
تدریجی	198852	10
ترجیحی	16387	1
جمع	1906219	100

منبع: گزارش سازمان خصوصی‌سازی، ۱۴۰۰

در ضمن از ۱۹۰۶۲۱۹ میلیارد ریال سهام واگذار شده طی بازه زمانی ۱۳۸۰ لغایت پایان سال ۱۳۹۹، میزان ۷۳ درصد واگذاری‌ها از طریق بورس و فرابورس، ۲۷ درصد از واگذاری‌ها به روش برگزاری مزایده و ۰٫۲ درصد نیز از طریق مذاکره صورت گرفته است (جدول شماره ۴).

جدول (۵): عملکرد واگذاری سازمان خصوصی‌سازی در سال‌های ۱۳۸۰ لغایت ۱۳۹۹ براساس بازار عرضه

بازار عرضه	جمع کل ارزش (ارقام به میلیارد ریال)	نسبت به کل (درصد)
بورس	1181706	62
فرابورس	212919	11
مذاکره	3245	۰
مزایده	508349	27
جمع	1906219	100

منبع: گزارش سازمان خصوصی‌سازی، ۱۴۰۰

همچنین در خصوص مصارف درآمدهای حاصل از واگذاری باید اشاره شود: در بند (د) سیاست‌های کلی اصل ۴۴ به الزامات واگذاری و مصارف درآمدهای حاصل از واگذاری اشاره شده است. از این رو مطابق این بند از سیاست‌ها مقرر شده است تا وجوه حاصل از واگذاری سهام شرکت‌ها به ۶ موضوع تخصیص داده شود.

با این حال در الزام‌های واگذاری در بند (ج) سیاست‌ها به تخصیص درصدی از منابع واگذاری جهت حوزه‌های نوین با فناوری پیشرفته نیز اشاره شده است. بنا به آمار و اطلاعات به دست آمده و بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که اولاً، ۶۸ درصد اعتبارات پیش‌بینی شده در قوانین بودجه برای مصارف ذیل موضوع‌های این بند محقق شده است. ثانیاً، عمده سهم پرداختی خزانه از محل وجوه حاصل از واگذاری سهام شرکت‌ها (معادل ۹۵ درصد) به ایجاد خوداتکائی برای خانواده‌های مستضعف و محروم و تقویت تأمین اجتماعی تخصیص داده شده است.

جدول (۶): مصارف درآمدهای حاصل از واگذاری‌ها طی سال‌های ۹۸-۱۳۹۴ (ارقام به میلیارد ریال)

سال عملکرد	مبلغ اعتبار	پرداختی خزانه	درصد تخصیص
۱۳۸۸	۵۰,۰۰۰	۱۶,۴۲۷	۳۳
۱۳۹۰	۴۵,۰۰۰	۳۰,۷۲۰	۶۸
۱۳۹۲	۶۲,۰۰۰	۴۱,۰۳۸	۶۶
۱۳۹۴	۱۴۵,۰۰۰	۶۵,۹۰۰	۴۵
۱۳۹۵	۱۱۵,۰۰۰	۹۵,۳۱۵	۸۳
۱۳۹۶	۷۹,۰۰۰	۶۷,۶۵۵	۸۶
۱۳۹۷	۴۹,۰۰۰	۳۱,۹۳۸	۶۵
۱۳۹۸	۳۶,۰۰۰	۲۶,۱۵۹	۷۳
جمع کل	۴۲۴,۰۰۰	۲۸۶,۹۶۷	۶۸

منبع: گزارش خزانه‌داری کل کشور از مصارف درآمدهای حاصل از واگذاری‌ها، سال ۱۴۰۰

جدول (۷): پرداختی خزانه از محل وجوه حاصل از واگذاری سهام بنگاه‌های دولتی

عناوین هشت‌گانه جدول (۱۳) قوانین بودجه (مبالغ به میلیارد ریال)

عناوین (سرفصل) هشت‌گانه	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	مجموع پرداختی	درصد
ایجاد خوداتکایی برای خانواده‌های مستضعف و محروم و تقویت تأمین اجتماعی	۶۴۹۵۸	۹۲۱۹۲	۶۶۵۶۶	۲۹۶۴۸	۲۰۰۰۰	۲۷۳۳۶۴	۹۵
اختصاص ۳۰ درصد از درآمدهای حاصل از واگذاری به تعاونی‌های	۰	۱۶	۲۲	۴۸	۰	۸۶	۰

عناوین (سرفصل) هشت‌گانه	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	مجموع پرداختی	درصد
فراگیر ملی به‌منظور فقرزدایی							
ایجاد زیربناهای اقتصادی با اولویت مناطق کمتر توسعه‌یافته	۲۹۴	۲۱۴۹	۶۸۱	۱۰۰۰	۵۵۹	۴۶۸۳	۲
اعطای تسهیلات برای تقویت تعاونی‌ها و به‌سازی بنگاه‌های اقتصادی غیردولتی	۱۶۰	۲۰۳	۰	۴۴۲	۵۶۰۰	۶۴۰۵	۲
مشارکت دولتی با بخش غیردولتی تا سقف ۴۹ درصد به‌منظور توسعه اقتصادی مناطق کمتر توسعه‌یافته	۴۸۸	۷۵۵	۳۸۶	۸۰۰	۰	۲۴۲۹	۱
تکمیل طرح‌های نیمه تمام شرکت‌های دولتی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
ایفای وظایف حاکمیتی دولت در حوزه‌های نوین یا فناوری	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
بازسازی ساختاری، تعدیلی نیروی انسانی و آماده‌سازی بنگاه‌ها برای واگذاری	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
تخصیص پرداختی خزانه به تفکیک سال‌ها	۶۵۹۰۰	۹۵۳۱۵	۶۷۶۵۵	۳۱۹۳۸	۲۶۱۵۹	۲۸۶۹۶۷	۱۰۰

منبع: گزارش سازمان خصوصی‌سازی، ۱۴۰۰



نمودار (۷): الگوی ارزیابی بنده سیاست‌های کلی اصل ۴۴

۳-۱-۵. تحلیل بنده سیاست‌های کلی اصل ۴۴ برپایه اهداف و شاخص‌های کلیدی عملکردی

افزایش رقابت‌پذیری اقتصاد ملی یکی دیگر از اهداف سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی است. مرکز ملی رقابت موظف بوده دو شاخص درجه تمرکز بازار در فعالیت‌های موضوع گروه‌های سه‌گانه ماده ۲ قانون و شاخص شدت

موانع ورود در فعالیتهای موضوع گروه ۱ و ۲ ماده ۲ قانون را محاسبه و به صورت دوره‌ای اعلام نماید. باین حال تاکنون گزارشی از این دو شاخص منتشر نشده است. در ضمن چنانچه هدف به صورت رقابت‌پذیری اقتصاد ملی مدنظر باشد، رتبه ایران در شاخص رقابت‌پذیری جهانی طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ در جدول (۸) آورده شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود این شاخص روندی کاهنده داشته است. به همین ترتیب رتبه کشور در بین ۱۳۹ کشور در سال ۱۳۹۰، ۶۹ بوده که این رتبه در سال ۱۳۹۹ به عدد ۹۹ در میان ۱۴۴ کشور رسیده؛ بنابراین ایران در طی این دوره ۳۰ رتبه در شاخص رقابت‌پذیری تنزل داشته است. لذا باید اشاره شود در حال حاضر گزارش رقابت‌پذیری اقتصاد ملی در ایران تولید نمی‌شود. باین حال بر مبنای گزارش شاخص رقابت‌پذیری جهانی، شواهدی مبنی بر افزایش رقابت‌پذیری اقتصاد ملی پس از ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ مشاهده نشد. در ضمن در سایر شاخص‌های مکمل و بازگوکننده فضای رقابت، شواهدی مبنی بر بهبود وضعیت ملموس و قابل ملاحظه مشاهده نمی‌شود.

جدول (۸): روند رتبه و جایگاه ایران در شاخص‌های جهانی نشانگر شفافیت و

انحصارزدایی و رقابت‌پذیری

شاخص/سال	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰
(۱) شاخص رقابت‌پذیری	۶۹	۶۲	۶۶	۸۲	۸۳	۷۴	۸۸	۸۹	۹۹	۹۹
(۲) شاخص کسب و کار	۱۴۴	۱۵۲	۱۵۲	۱۱۹	۱۱۷	۱۲۰	۱۲۴	۱۲۸	۱۲۷	۱۲۷
(۳) شاخص ادراک فساد	۱۲۰	۱۳۳	۱۴۴	۱۳۶	۱۳۰	۱۳۱	۱۳۰	۱۳۸	۱۴۶	۱۴۹
(۴) شاخص آزادی اقتصادی	۱۷۱	۱۷۱	۱۶۸	۱۷۳	۱۷۱	۱۷۱	۱۵۵	۱۵۸	۱۶۶	۱۶۸

منبع: (شاخص‌ها به ترتیب: ۱) بانک جهانی، ۲) بانک جهانی، ۳) سازمان بین‌المللی شفافیت، ۴) بنیاد هریتج

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در مقاله حاضر بر اساس الگوی مفهومی تصویر شده و برپایه الگوی ارزیابی مثلثی مبتنی بر سه مبحث اهداف کلان هشتگانه و اهداف هر بند سیاست کلی (اهداف میانی و عملیاتی)، عوامل حیاتی موفقیت و شاخص‌های کلیدی عملکردی تلاش شد ارزیابی راهبردی از اجرای ۵ بند سیاست‌های کلی اصل ۴۴ به عمل آید. جمع‌بندی نتایج مقاله نشان می‌دهد:

۱- برای بند الف سیاست‌ها شواهد و نتایج حکایت از توسعه بخش‌های غیردولتی و جلوگیری از بزرگ شدن دولتی نمی‌باشند، به طوری که پس از ابلاغ سیاست‌های

کلی اصل ۴۴، شواهدی مبنی بر رشد پایدار و شتابان تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی مشاهده نمی‌شود و در سهم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از ماشین‌آلات از کل سرمایه‌گذاری روند افزایشی طی نشده است. در ضمن کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی هدف مهم بعدی بند الف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی است. باین حال آمارها و اطلاعات حکایت از انحراف در تحقق این هدف می‌باشد، به طوری که روند شاخص‌های اندازه دولت نشان از کوچک شدن دولت نمی‌باشند.

۲- در بند (ب) سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، سیاست‌های کلی بخش تعاونی ذکر شده است. در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مقرر شده بود تا پایان برنامه پنج‌ساله پنجم، سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور به ۲۵ درصد برسد. در سال ۱۳۸۹ مرکز آمار ایران با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سهم بخش تعاون در اقتصاد ملی را ۲/۶ درصد محاسبه کرد. همچنین سازمان برنامه و بودجه در سند توسعه برنامه ششم، سهم بخش تعاونی در پایان سال ۱۳۹۳ را ۶ درصد برآورد نموده است. همچنین گزارش کمیسیون اصل ۴۴ مجلس شورای اسلامی حاکی از آن است که سهم بخش تعاون در تولید ناخالص داخلی کمتر از ۵ درصد است و اختلاف فاحش با هدف بند سیاست‌های ترسیم شده وجود دارد. با وجود این تا زمانی که مرکز آمار ایران سهم بخش تعاون در اقتصاد ملی را در حساب‌های ملی منظور نکند، کماکان با مشکل تحلیل آماری در بخش تعاونی روبه‌رو هستیم.

۳- در بند (ج) سیاست‌های کلی اصل ۴۴ به واگذاری بنگاه‌های دولتی اشاره شده است. آمار ارزش کل واگذاری‌ها تا پایان سال ۱۳۹۹ معادل ۱۹۰۶۲۱۹ میلیارد ریال بوده که از این کل به تفکیک واگذاری‌ها به ترتیب عرضه و فروش سهام یا دارایی به عموم متقاضیان معادل ۱۲۶۸۷۶۰ (میلیارد ریال)، واگذاری سهام یا دارایی به شیوه انتقال مستقیم به اشخاص حقیقی و حقوقی طلبکار از دولت معادل ۳۷۱۰۹۷ (میلیارد ریال)، انتقال مستقیم سهام یا دارایی بابت سهام عدالت معادل ۲۶۶۳۶۳ (میلیارد ریال)، بوده است.

۴- برای بند (د) سیاست‌های کلی اصل ۴۴، از ۱۹۰۶۲۱۹ میلیارد ریال سهام واگذار شده طی بازه زمانی ۱۳۸۰ لغایت پایان سال ۱۳۹۹، میزان ۷۳ درصد واگذاری‌ها از طریق بورس و فرابورس، ۲۷ درصد از واگذاری‌ها به روش برگزاری مزایده و ۰٫۲ درصد نیز از طریق مذاکره صورت گرفته است. همچنین در بند (د) سیاست‌های کلی اصل ۴۴ به مصارف درآمدهای حاصل از واگذاری اشاره شده است. بنا به آمار و

اطلاعات به‌دست آمده و بررسی‌های صورت‌گرفته نشان می‌دهد که اولاً ۸،۶ درصد اعتبارات پیش‌بینی‌شده در قوانین بودجه برای مصارف ذیل موضوع‌های این بند محقق شده است. ثانیاً، عمده سهم پرداختی خزانه از محل وجوه حاصل از واگذاری سهام شرکت‌ها (معادل ۹۵ درصد) به ایجاد خوداتکائی برای خانواده‌های مستضعف و محروم و تقویت تأمین اجتماعی تخصیص داده‌شده که انحراف از مصرف متعادل درآمدهای واگذاری ذیل عناوین شش‌گانه مصرف حکایت دارد.

۵- در بند (ه) سیاست‌های کلی اعمال حاکمیت و پرهیز از انحصار ذکر شده و افزایش رقابت‌پذیری اقتصاد ملی یکی از اهداف سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی است. رتبه ایران در شاخص رقابت‌پذیری جهانی روندی کاهنده داشته است، به‌طوری‌که رتبه کشور در بین ۱۳۹ کشور در سال ۱۳۹۰، ۶۹ بوده که این رتبه در سال ۱۳۹۹ به عدد ۹۹ در میان ۱۴۴ کشور رسیده؛ بنابراین ایران در طی این دوره ۳۰ رتبه در شاخص رقابت‌پذیری تنزل داشته است. با اینکه درحال حاضر گزارش رقابت‌پذیری اقتصاد ملی در ایران تولید نمی‌شود. بااین‌حال بر مبنای گزارش شاخص رقابت‌پذیری جهانی، شواهدی مبنی بر افزایش رقابت‌پذیری اقتصاد ملی پس از ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ مشاهده نشد.

فهرست منابع

- آل عمران، رویا (۱۳۹۱). خصوصی‌سازی و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی. *مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*، (۱۲).
- احمدوند، محمدرحیم (۱۳۹۲). واکاوی عملکرد خصوصی‌سازی در ایران. *فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی*، سال یکم، (۳).
- استادی، حسین و حبیبی، شاهرخ (۱۳۸۸). بررسی راهکارهای افزایش سهم بخش تعاون در اقتصاد کلان با تأکید بر اصل ۴۴ قانون اساسی مطالعه موردی استان کهگیلویه و بویراحمد. *نشریه تعاون*، ۲۰ (۲۰۸-۲۰۹)، ۲۹-۳۹.
- پاکدامن، رضا (۱۳۸۸). *رویکردهای اجرایی و مبانی قانونی خصوصی‌سازی*. تهران: انتشارات مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.
- پورپرتوی، میرطاهر؛ دانش جعفری، داود و جلال‌آبادی، اسدالله (۱۳۸۸). مقایسه تطبیقی انحصار و تمرکز در برخی از صنایع کشور. *پژوهشنامه اقتصادی*، ۹ (۳۵)، ۱۲۹-۱۵۴.

پیروزراهی، زینب (۱۴۰۱). اصلاح ساختار شرکت‌های دولتی پیش از واگذاری به بخش خصوصی. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی خصوصی‌سازی در اقتصاد ایران، سازمان خصوصی‌سازی.

جعفرپور، محمود (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی خصوصی‌سازی در ایران. بررسی‌های بازرگانی، (۱۰۴).

حق‌شناس گرگایی، محمد و حدادی دوزین، جواد (۱۴۰۱). شناسایی موانع تحقق سیاست‌های بخش تعاون در ایران. فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، (۳۰)، ۳۶-۵۰. حیدری کرد زنگنه، غلامرضا (۱۳۸۶). مدلی جهت ارتقا و توسعه خصوصی‌سازی ایران. (رساله دکتری مدیریت بازرگانی). دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات و مرکز آموزش‌های عالی بین‌الملل.

خداداد کاشی، فرهاد؛ عبادی، جعفر و حیدری، خلیل (۱۳۹۶). اندازه‌گیری قدرت انحصاری صنایع تولیدی در ایران. فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، ۱۱(۳۷)، ۴۵-۶۲. خداداد کاشی، فرهاد و نورانی آزاد، سمانه (۱۳۹۵). اندازه رقابت، انحصار و الگوی رفتاری در بخش صنعت ایران با استفاده از رویکرد غیرساختاری. فصلنامه پژوهشنامه بازرگان، ۲۱(۸۱)، ۱-۳۰.

خسروی، حسن و یزدانی، منوچهر (۱۳۹۶). علل ناکارآمدی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در توسعه بخش تعاونی طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴. نشریه تعاون و کشاورزی، ۶(۲۳)، ۱۷۱-۲۱۰.

سعدی، محمدرضا و توتونچی ملکی، سعید (۱۳۸۷). بررسی الزامات مورد نیاز و نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴. فصلنامه مجلس و پژوهش، (۶۰).

فتحی، فاطمه؛ جهانگیری، علی و طاهرپور، حبیب‌اله (۱۳۹۵). ارزشیابی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در حوزه صنعت، معدن و تجارت. فصلنامه فرایند مدیریت توسعه، ۲۹(۱).

کریم، محمدحسین؛ شقاقی شهری، وحید و نصری، لیلا (۱۳۹۴). ارزیابی فرایند خصوصی‌سازی در راستای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (افزایش سهم بخش خصوصی). فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، ۳(۱۱).

مشیری، سعید (۱۳۸۹). خصوصی‌سازی و رشد اقتصادی یک مطالعه بین‌کشوری. تحقیقات اقتصادی، (۹۰).



- Alam, Q. (2008). Market-based Reforms and Privatization in Sri Lanka. *International Journal of Public Management*, 21(1), 58-73.
- Boycko, M.; Shleifer, A. & Vichny, R. (1996). A Theory of Privatization. *Economic Journal*, (106), 309-319.
- Chlopek, Marek & Penton, Partners (2005). *Privatization in Poland*. Overview, 4th Annual Investing in Poland conference, New York, April 21.
- Cook, P. & Kirkpatrick, C. (1988). *Privatization in Less Developed Countries*. Brighton: Weatsheaf.
- Galal, A. (2006). *Saving and privatization*. In M. Celasun (Ed). State-Owned enterprises in the middle east and North-Africa: privatization, performance and reform. New York: Routledge.
- Laffont, J. & Tirole, J. (1991). Privatization and Incentives. *Journal of Law, Economics and Organization*, (7), 84-105.
- Vickers, J. & Yarrow, G. (1991). Economic Perspectives on Privatization. *Journal of Economic Perspectives*, 5(2), 111-132.



